

# تو دیگه کی هستی

از تو پیرسد ساعت چند است؟ دوست داشتی نگاهش کنی؟ دوست داشتی آن را به رخ بکشی، دوست داشتی همه بفهمند که تو هم ساعت داری، چه شد که حالا که برایت عادی شده است، دیگر کمتر به ان توجه می کنی؟ حالا وقتش است بگوییم، چیز گران بهایی نزد تو هست که نباید بگذاری برایت عادی شود. نباید بگذاری زهوارش در برود. باید بشناسی اش. باید از او مراقبت کنی. باید هر روز بینی اش. این گران بهای دوست داشتی ساعت نیست که هر وقت کهنه شد یکی دیگر بخیر. قاب عکس نیست که اگر از دیوار افتاد و شکست، شیشه اش را یا قابش را و یا حتی عکش را عوض کنی. آن چیز خودت هستی. چگونه می توانی اجازه بدھی با خودت غریبه باشی؟ چگونه می توانی از کنار خودت رد شوی، و ندانی که داخل اتاق های درون تو چه چیزهایی گذاشتمند؟ اگر روزی شکستی، ترمیم و بازسازی ناممکن نیست، اما گاهی به قدری سخت خواهد بود که شاید احساس ناتوانی کنی. پس به خودت فکر کن و گاهی از بالای کوه، به خودت نگاه کن. گاهی نقاشی های زیبایی درون آرامت را تماشا کن. نگذار آن چه داری و آن چه هستی برایت عادی شود. در شماره های بعد در این باره بیشتر خواهم گفت.

از بالای کوه که به شهر نگاه کنی، چیزهایی می بینی که برایت جالب‌اند. گاهی هم برایت هیجان انگیز می شود. مثلاً ممکن است میدان بزرگ شهر را بینی. هر روز از آن میدان عبور می کنی، اما امروز تماسای آن میدان از ارتفاع، هیجان تازه‌ای دارد. شاید کنار آن میدان ساختمانی بینی که بارها از کنارش گذشته باشی، ولی هرگز به بام آن ساختمان فکر هم نکرده باشی. ساختمان به آن بلندی برای تو که قدت به اندازه در آن هم نمی شود، حالا مثل یک قوطی مقواپی، گوشه‌ای از میدان به ساختمان های کناری چسبیده است.

آیا به راستی به این همه آنتن و کولر که بر بام ساختمان های شهر می بینی، فکر کرده بودی؟ آیا به این سکوتی که در این کوهستان جریان دارد، فکر کرده بودی؟ از آن پایین توی کوچه پس کوچه های شهر، با آن همه سروصدام صدای بوق ماشین ها و همهمه آدم ها، شلاغی و رفت و آمد، نگاهی به این کوهستان کرده بودی و به روح کوهستان و به سکوت جادوی اش فکر کرده بودی؟ شاید تو اهل مناطق کویری باشی و بگویی در کنار شهر من کوهی نیست تا سکوت کوهستان را درک کنم، قبول! اما روز به آن نگاه می کنی؟ آیا هنوز هم وقتی که می خواهی بدانی ساعت چند است، به ساعت مچی ایات نگاه می کنی؟ آیا یادت می آید که این ساعت را چگونه خریدی؟ یا چه کسی به تو هدیه داده است؟ چه روزی بوده است؟ آیا هیچ دقت کرده ای که قسمتی از بند آن در حال پارشدن است؟ اما روزهای اول چه؟ دوست داشتی کسی

شـدـاـلـ

مـدـاـلـ

